

بررسی نقش خانواده در تربیت نوجوانان از دیدگاه مطهری و دلالت های تربیتی آن در نظام آموزشی

عصمت رسولی^۱، سکینه مرادی خانقاه^۲

^۱ استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری

^۲ دانشجوی دکترا فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری (نویسنده مسئول)

چکیده

تربیت خانوادگی از مهم-ترین مسائل انسانی مکتب ها و به ویژه تعلیم و تربیت انسان به شمار می رود. چرا که تربیت خانوادگی موجبات سعادت و رستگاری فرزندان و بالاخص نوجوانان را فراهم می سازد. مقوله تربیت دارای ابعاد گوناگونی چون جامعه، عاطفه، عقل، دین، آموزش، فرهنگ و اقتصاد است. این موارد از ارزش های والای انسانی است که مانند سایر ارزش های انسانی در روز الست، از سوی خداوند در خمیرمایه انسان عجین خواهند شد. هدف تحقیق حاضر، بررسی نقش خانواده در تربیت نوجوانان از دیدگاه مطهری و دلالت های تربیتی آن در نظام آموزشی است. این تحقیق، با توجه به موضوع و هدف خود از نوع تحقیقات کاربردی به شمار می رود و روش تحقیق آن، توصیفی - تحلیلی (تحلیل محتوا) و روش گردآوری اطلاعاتش، کتابخانه ای بوده است. از مجموع آراء استاد مطهری این گونه استنباط می گردد که وی به تربیت و مخصوصاً تربیت خانوادگی و تأثیر آن در رشد و شکوفایی نوجوانان بسیار اهمیت قائل است. نظرات تربیتی استاد مطهری را از جنبه های مختلفی می توان بررسی کرد: اجتماعی، عاطفی، عقلانی، دین، آموزشی، فرهنگ و اقتصادی. نتایج نشان از تأثیر و کارکردهای مختلف موارد مذکور در تربیتی خانوادگی نوجوانان با توجه به نظران شهید مطهری دارد که در این پژوهش به طور مبسوط به آنها پرداخته شده است.

واژه های کلیدی: خانواده، شهید مطهری، تربیت، نظام آموزشی.

مقدمه

خانواده [۱] که سالیان دراز بعنوان یکی از نهاد های بنیادی و سازنده اجتماعات بشری بوده وهست ودر باره نقش ارزنده آن در تربیت افراد جامعه و توسعه و تقویت ارزشهای والای الهی وانسانی و فردی واجتماعی آن شک وتردید نمی توان داشت ؛در جوامع صنعتی شده و در جوامعی که در حال صنعتی شدن هستند دچار دگر گونی ها وتحولات عمیق و بنیادی شده است .این دگرگونی ها و تحولات نه تنها شکل خانواده را در جوامع توسعه یافته و صنعتی شده و در حال توسعه و صنعتی شدن تغییر داده بلکه در ماهیت روابط ووظایف افراد خانواده ها وثمرات مطلوب و نامطلوب این روابط خانوادگی تحولات عمیقی را نیز سبب شده است (پروند، ۱۳۸۵: ۵۶).

خانواده یکی از حوزه های ارتباطی [۲] مهم در دانش آموزان جهت رسیدن به اهداف آموزشی، حوزه ارتباطی است. خانواده از دو جهت اهمیت دارد. یکی از آن جهت که هر دانش آموزی هم اکنون عضوی از یک خانواده است و باید بتواند نقش درست و مؤثر خود را به عنوان یک عضو به خوبی ایفا کند. دیگری از آن جهت که هر دانش آموزی در آینده ای نچندان دور خانواده تشکیل می دهد و همراه با همسرش مسئولیت یک خانواده را برعهده می گیرد . تربیت دانش آموزان برای ورود به موقع وموفق به زندگی خانوادگی و ازدواج از مسئولیت های مهم والدین و هم چنین نظام تربیتی در هر جامعه است (اعتصامی، ۱۳۹۰: ۳۷). در واقع خانواده کوچکترین واساسی ترین واحد اجتماعی است که هر یک از افراد جامعه در آن متولد می شوند و تربیت و پرورش می یابند. در این میان نقش پدر و مادر در تربیت فرزند بسیار مهم و تعیین کننده است، چرا که والدین اولین شکل دهندگان و معماران شخصیت فرزند خود هستند. بنابراین آموزش دادن به والدین در زمینه مسائل تربیتی موجب می گردد که آنان محیط مناسب تری برای رشد و شکوفایی استعدادهای بالقوه فرزندان خود فراهم کنند. این امر نیز پیشرفت و بالندگی افراد خانواده ها و جامعه را در پی خواهد داشت (ثابتی، ۱۳۷۶). محیط خانواده همواره باید پاسخگوی نیازهای اعضای تشکیل دهنده آن باشد تا استحکام خانواده امکان پذیر شود. در این راستا، به نظر می رسد که در عصر کنونی، باید بیش از هر زمان دیگر به حفظ و استحکام بنای خانواده همت گمارد؛ زیرا دنیای امروز به دهکده ای جهانی تبدیل شده و عصر ارتباطات و دوره انفجار اطلاعات نام گرفته و شبکه های اینترنتی نیز راه را برای برقراری ارتباط با همه دنیا هموار کرده است. به رغم این به دلیل دوری انسان مدرن از خدا و معنویات اصیل دینی، غربت وی بیش از هر زمان دیگر است و لذا مشکلات و سرگردانی های نوینی فرا راه آدمیان قرار گرفته است. در چنین شرایطی، وجود خانواده ای صمیمی و سالم، مؤثرترین نقش را در رهایی فرد از اضطراب ها و سرگردانی های حاصل از این همه ارتباطات گسترده می تواند بر عهده گیرد. این ارتباطات گسترده اجتماعی و پیوندهای بیرونی افراد جامعه، هرگز خلأ نیاز به محبت های عاطفی و صمیمیت های خالص میان اعضای خانواده را پر نمی کند. هیچ کس برای انسان، پدر، مادر، برادر و خواهر نمی شود و کسی جز همسر مهربان و دلسوز، حامی و مددکار آدمی نمی شود و هیچ جا نیز برای انسان، امن تر و آرامش بخش تر از خانواده نخواهد بود. آری، خانواده، نهادی است بی جایگزین که رقیبی برایش تصور نمی شود. مهم ترین کاربرد این تحقیق استفاده از نتایج آن در آموزشی و تربیت نوجوانان جهت تحکیم بنیان خانواده است.

بیان مساله

نیازهای انسان را می توان به دو دسته تقسیم کرد. بعضی از آن ها قابل احساس است؛ یعنی می توان آن ها را درک کرد. در مقابل آن برخی از نیازها را نمی توان احساس نمود مگر اینکه یک کارشناس آن ها را به آدمی یادآور شود. سلامت انسان با درک هر دو دسته نیاز و تأمین معقول و منطقی آن ها ارتباط پیدا می کند؛ به عنوان مثال وقتی تشنه هستیم، می فهمیم که به آب نیاز داریم. ولی اگر بدن ما به نوع خاصی از ویتامین نیاز داشته باشد متوجه نمی شویم بلکه پزشک باید به ما یادآوری کند. در مسائل روحی، عاطفی و اعتقادی هم این ویژگی وجود دارد. نیازهای مادی را آسان تر از نیازهای غیرمادی می توان تشخیص داد. «در تعلیم و تربیت وظیفه داریم نیازهای اصیل ولی غیر قابل احساس متری را به او بفهمانیم و در جهت تأمین و بر طرف

کردن آن نیازها تلاش کنیم. اگر تربیت صرفاً بر محور نیازهای محسوس و مادی قرار گیرد، آدمی از مرحله حیوانی خود فاصله زیادی نخواهد گرفت. شرط رسیدن به انسانیت تأمین نیازهای ریشه‌دار غیرمادی است» (نقیب-زاده، ۱۳۸۷: ۹۹).

شهید مطهری در توضیح قانون نیاز می‌گوید: «در قانون احتیاج به سه چیز است: اول باید نیاز به چیزی باشد. دوم اینکه چیز دیگری این نیاز را بر طرف نکند. سوم اینکه احساس این نیاز پیدا بشود. دنیای امروز همانگونه به پیغمبر اکرم(ص) محتاج است که در ۱۴۰۰ سال پیش بود، من تا کنون در دو کتاب این جمله معروف برنارد شو را خوانده‌ام چه عالی می‌گوید: کسی مثل من حق دارد برای کشور و جامعه خودش پیش بینی می‌کند، من پیش بینی می‌کنم که اروپای فردا به دین محمد (ص) گرایش پیدا خواهد کرد. بعد موضوع کلیسا را عنوان می‌کند. می‌گوید: کلیسا در گذشته خیانت کرد، چهره این مرد بزرگ را مشوش کرد. مردم اروپا ندانستند. بعد می‌گوید: تنها اگر مردی مانند او صاحب عالم بشود و بر عالم حکومت کند قادر بر حل مشکلات عالم است. غیر او کسی قادر به حل مشکلات عالم نیست» (مطهری، ۱۳۹۳: ۵۶).

از این نگرش می‌توان به راحتی اصل نیازآفرینی را برای تعلیم و تربیت استنتاج کرد. اگر به بشر باید فهماند که به دین اسلام نیاز دارد به طریق اولی به کودکان و نوجوانان باید فهماند که بدون دین نمی‌توانند زندگی کنند و نوع زندگی بر مبنای اعتقادات دینی را باید یاد بگیرند. یقیناً اگر فرزندان این مرز و بوم با معیارهای دینی تربیت شوند و این نکته مهم را به خوبی دریابند که حذف دین از زندگی به معنای گرفتن روح از بدن است؛ تلاش خواهند کرد رفتار خود را با رضای خدا و صلاح مردم تنظیم بکنند. فطرت الهی انسان در تربیت اسلامی ارزشمندترین چیزی در عالم هستی است به گونه‌ای که نباید چیزی را بر آن ترجیح داد، اگر گفتار یا کرداری خلاف قوانین فطرت باشد، باید صریحاً نسبت به اصلاح آن اقدام شود. زمانی که فطرت دست نخورده و الهی است یعنی دوران کودکی باید نسبت به تربیت و شکل دهی آن، اقدام و زمینه را برای مراحل بعدی رشد فراهم کرد. فطرت به درختی شباهت دارد که باید از همان ابتدای رویش از آن مراقبت شود و در هر مرحله‌ای آبیاری لازم به عمل آید تا به تدریج به درختی تنومند و با طراوات تبدیل شود. رفتارهای انسانی و الهی را می‌توان میوه‌های این درخت محسوب کرد. با توجه به این فرایند بسیار مهم، دانشمندان تعلیم و تربیت به تثبیت و تحکیم صفات نیک اخلاقی از دوران کودکی تأکید فراوان داشته‌اند. شهید مطهری ضمن اشاره به نظر علمای تربیت قدیم در خصوص تحکیم فضائل اخلاقی در آدمی می‌فرماید: «علمای قدیم در تعریف عدالت می‌گفتند: عدالت ملکه تقوا و پرهیزکاری است؛ یعنی تقوا و پرهیزکاری برای انسان ملکه شده باشد و حتی می‌گفتند انسان آن وقت دارای اخلاق فاضله است که در عالم خواب هم ضد آن اخلاق از او صادر نشود؛ مثلاً آن قدر راستگو باشد که حتی در عالم خواب هم دروغ نگوید. بر این اساس است که اهتمام زیادی می‌شود که تربیت در سنین کودکی صورت گیرد. اصلاً گفته می‌شود که تربیت فن تشکیل عادت است» (همان: ۸۹-۸۸).

روحیه انسان در ابتدا حکم ماده شل و قابل انعقادی مثل گچ را دارد که ابتدا که آن را در آب می‌ریزند، شل است و بعد سفت می‌شود. وقتی این ماده شل است آن را در هر قالبی بریزیم به همان شکل در می‌آید می‌توان آن را به صورت انسان در آورد یا به صورت خوک و یا خروس. در هر قالبی که بریزیم همین که سرد شد همان شکل را می‌گیرد و سفت می‌شود. می‌گویند روح انسان در زمان کودکی، حالت قابل انعطافی دارد و مانند همان ماده شل است. هرچه انسان بزرگ‌تر شود قابلیت انعطاف آن کمتر می‌شود. اینکه گفته‌اند: العلم فی الصغر کالمنقش فی الحجر. البته دانشمندان امروز هم به تربیت دوران کودکی بیشتر اهمیت می‌دهند. بچه‌ای که در کودکیستان است از بچه دبستانی و بچه دبستانی از نوجوان دبیرستان و نوجوان دبیرستان از جوان دانشگاه، جنبه پذیرشش بیشتر است (صدر، ۱۳۹۸: ۸۱).

از دیدگاه شهید مطهری می‌توان به آسانی این نکات را استنباط کرد: ۱- تربیت دوران کودکی پایه و اساس است. ۲- دردور دکترا مرادی:

همای نوجوانی و جوانی نسبت به دوره کودکی امکان تربیت کاهش پیدا می‌کند. ۳- اگر یک صفت در وجود انسان ملکه شد زدودن آن بسیار مشکل خواهد بود. اهداف تعلیم و تربیت در هر جامعه و مکتبی متناسب با نظام ارزشی آن تعیین می‌شود. مجموعه ارزش‌های حاکم بر نظام آموزشی هم متأثر از مبانی انسان‌شناختی حاکم بر آن مکتب است که ارزش‌های آن بر

اساس تعریف انسان و ویژگی-ها و جایگاه او مشخص می-شود. به این ترتیب، اهداف تعلیم و تربیت از مبانی ارزشی گرفته شده تا انسان را به هدف مطلوب آن نظام بر اساس روش تعلیم و تربیتی پیشنهادی برساند (باقری، ۱۳۷۸: ۶۴).
مطهری منظومه فکری خود را بر اساس نظام ارزشی اسلام تأسیس کرده است. دیدگاه-های او درباره تعلیم و تربیت نیز از همین نظام ارزشی پیروی می-کند و متأثر از انسان-شناسی دینی است. تعلیم و تربیت از دیدگاه او به معنای «پرورش دادن، یعنی استعدادهای درونی-ای را که بالقوه در یک شیء، موجود است به فعلیت در آوردن و پروردن» (مطهری، ۱۳۹۰: ۴۳) است که «مبتنی بر قبول یک سلسله استعدادها و به تعبیر امروز، یک سلسله ویژگی-ها در انسان است» (مطهری، ۱۳۸۹: ج ۳ / ۴۵۲).

مطهری با تأکید بر نقش دین در تعلیم و تربیت می-نویسد: «یکی از کارکردهای ایمان و دین باوری آن است که اعتقاد به آن هم برای سازگار ساختن محیط اجتماعی با زندگی فرد، یعنی ایجاد عدالت اجتماعی و سازمان متوافق با مصالح عموم و هم در ایجاد توافق و انطباق در روحیه فرد با مصالح عالیه اجتماع» لازم و ضروری است. وی حتی از این هم فراتر می-رود و از نقش سازنده دین بحث می-کند: هیچ امر دیگری چون دین قادر نیست انسان را در برابر مقررات اجتماعی به تسلیم و در برابر قسمت و بهره خود به قناعت و رضا وادارد و روحیه گذشت، فداکاری، ایثار، شجاعت در برابر زور و نیکوکاری را در خدمت به خلق و رعایت حدود خود و دیگران را در انسان، ایجاد و تقویت کند و بنابراین، هیچ امر دیگری، یارای رقابت با دین را در عرصه تعلیم و تربیت و ایجاد تحول در آدمی ندارد (مطهری، ۱۳۸۶: ج ۱ / ۲۵-۲۶).
این تحقیق تلاش دارد تا به این سوال پاسخ دهد که: خانواده در تربیت نوجوانان از دیدگاه استاد مطهری و دلالت-های تربیتی آن در نظام آموزشی چه نقشی دارد؟

اهمیت و ضرورت تحقیق

از آنجایی که شخصیت هر فرد در خانواده شکل می-گیرد، روابط عاطفی پدران و مادران با فرزندان خود، اهمیت خانواده و نقش آن را روشن می-سازد. ادراک ارزش-های معنوی، رشد اجتماعی، عاطفی، عقلانی و بدنی در حد وسیعی در خانواده صورت می-گیرد (محمدخانی، ۱۳۸۴: ۹۸). چون فرزندان شکوفه های زندگی انسان هستند و بسیاری رشد و بالندگی فرزندان را مؤید موفقیت والدین و نظام تعلیم و تربیت می دانند. بنابراین پرداختن به اموری مانند آموزش والدین و خانواده و آشنا نمودن آنان با فنون جدید تعلیم و تربیت مطابق با علوم جدید از قبیل روانشناسی و... امری مهم و ارزشمند است (امجدیان، ۱۳۷۷). بدون تردید همه اعضای خانواده (زن و شوهر، پدر و مادر و فرزند، یا فرزندان) به آموزش نیاز دارند؛ زیرا انسان تمام رفتارها را یاد می گیرد؛ پس باید همه رفتارها را در مراحل گوناگون زندگی آموزش داد. (به پژوه، ۱۳۸۹) باید پذیرفت که یک مادر با یک پدر آگاه و مسئول بودن مشکل است و احتیاج به آگاهی و کسب دانش های لازم دارد. دانایی از دانش ها سرچشمه می گیرد و دانش ها از آموزش بدست می آیند. به بیان دیگر باید یاد آور شد که هیچ پدر و مادری خود به خود نمی تواند پدر و مادر موفقی بشوند و کودک را آنطور که هست بشناسند و او را درک کنند، مگر اینکه دانایی های ضروری را کسب کنند. علت شکست انسان در تعلیم و تربیت عدم شناخت او نسبت به خود و نسبت به کودک است (امجدیان، ۱۳۸۴). یکی از ویژگی های دنیای امروز، انفجار علم و دانش است در همه حوزه-ها و تأثیر ژرف آن در زندگی فردی و اجتماعی است. به تناسب این گسترش علوم حیات روانی انسان-ها پیچیدگی می یابد و برای شناخت بهتر انسان-ها نسبت به یکدیگر در مناسبات اجتماعی که خانواده بارزترین و عمیق ترین نمونه آن است، محتاج علم و دانش بیش از گذشته هستیم این امر آموزش های مستمر را برای هر زن و مرد ضروری می سازد. آموزشهای که در نتیجه آن ضمن شناخت بیش تر، خانواده ها را قادر می سازد نقش ها و وظایف خود را در مقابل همسر و فرزندان انجام دهند. رنه هر مدیر کل فرهنگی یونسکو معتقد بوده است: وقتی زنی را تعلیم می-دهیم، خانواده-ای را تعلیم داده-ایم (امجدیان، ۱۳۸۴: ۵۵) از آنجایی که آموزش والدین به آنها کمک خواهد کرد تا با اصول و مفاهیم رشد، نحوه رفتار با کودکان، مشکلات و ناسازگاری های آنان آشنا شد و در حل آنها بکوشند

(صبایان، ۱۳۸۲). بنابراین آموزش به خانواده جهت یادگیری و آشنایی با چنین دیدگاه-ها و مهارت‌ها یک ضرورت اساسی و حیاتی در جامعه ما می باشد و چه بهتر این مسأله از دیدگاه شهید مطهری بررسی شود.

اهداف تحقیق

۱. بررسی نقش اجتماعی خانواده در تربیت نوجوانان از دیدگاه استاد مطهری
۲. بررسی نقش عاطفی خانواده در تربیت نوجوانان از دیدگاه استاد مطهری
۳. بررسی نقش عقلانی خانواده در تربیت نوجوانان از دیدگاه استاد مطهری
۴. بررسی نقش دینی خانواده در تربیت نوجوانان از دیدگاه استاد مطهری
۵. بررسی نقش فرهنگی جامعه در تربیت نوجوانان از دیدگاه استاد مطهری
۶. بررسی نقش اقتصادی جامعه در تربیت نوجوانان از دیدگاه استاد مطهری

سوالات تحقیق

۱. نقش اجتماعی خانواده در تربیت نوجوانان از دیدگاه استاد مطهری چیست؟
۲. نقش عاطفی خانواده در تربیت نوجوانان از دیدگاه استاد مطهری چیست؟
۳. نقش عقلانی خانواده در تربیت نوجوانان از دیدگاه استاد مطهری چیست؟
۴. نقش دینی خانواده در تربیت نوجوانان از دیدگاه استاد مطهری چیست؟
۵. نقش فرهنگی جامعه در تربیت نوجوانان از دیدگاه استاد مطهری چیست؟
۶. نقش اقتصادی جامعه در تربیت نوجوانان از دیدگاه استاد مطهری چیست؟

تعاریف تحقیق

۱- آموزش [۱]: آموزش عبارت است از فراهم نمودن زمینه ها و عوامل برای اینکه متعلم دانشی را واجد شود (چراغ چشم، ۱۳۸۵).
به عبارتی دیگر آموزش تعلیمات منظمی است که در جهت ایجاد آمادگی برای اجرای امور زندگی در شهر و روستا آموخته می شود (ابراهیم زاده، ۱۳۸۵).

۲- آموزش خانواده [۲]: شامل کلیه دوره های آموزشی و کار آموزی و مهارت آموزی است که در آن سعی در افزایش دانش ، مهارت و توانایی والدین نسبت به تربیت جسمی ، اخلاقی ، عقلانی و عاطفی و معنوی فرزندان و نیز تغییر در نگرش های آنان نسبت به امر خطیر تربیت دارد (طالب-زاده، ۱۳۸۵).

۳- دیدگاه تربیتی [۳]: عبارت است از یک موضع گیری اساسی درباره فرایند های یاددهی - یادگیری در ابعاد گوناگون نظری و عملی (مهر محمدی، ۱۳۸۶).

۴- شناختی [۴] (معرفتی): به شکل ساده آنرا میتوان به عنوان فرایندها یا جریانهایی که به کمک آنها یادگیری ، یادآوری و تفکر صورت می پذیرد تعریف کرد. به طور دقیق، "به فرایندهای درونی ذهنی و راههایی که ما به وسیله آنها اطلاعات را مورد توجه قرار می دهیم، آنها را درک می کنیم و به رمز در می آوریم و در حافظه ذخیره می سازیم ، و هر وقت نیاز داشته باشیم آنها را از حافظه فرا می خوانیم و مورد استفاده قرار می دهیم گفته می شود" (سیف، ۱۳۸۷: ۵۵).

۵- پوشش ظاهری: در این پژوهش این واژه معادل کلمه «حجاب» می-باشد؛ بنابراین میتوان گفت که حجاب در برخی کتب این-گونه تعریف کرده اند: «الحجاب، المنع من الوصول» یعنی آنچه مانع رسیدن می شود . حجب و حجاب هر دو مصدر و به معنای پنهان کردن و منع از دخول است و به عنوان شاهد آیه ۵ «ومن بیننا و بینک الحجاب» از

سوره مبارکه فصلت را ذکر کرده اند. در دیگر کتاب های لغت حجاب را به معنای پرده آورده و نوشته اند «امراه محجوبه» زنی که پوشانیده است با توجه به معانی ذکر شده در می یابیم حجاب امری ظاهری و در ارتباط با جسم است، اگر چه این پوشش برخاسته از اعتقادات و باورهای درونی افراد است ولی ظهور مادی و طبیعی دارد؛ یعنی پوشش ظاهری افراد و بویژه زنان را حجاب گویند (فدایی و همکاران، ۱۳۸۷).

۶- رفتار اجتماعی [۵]: عبارت است از رفتاری که در مواجهه با محرک اجتماعی بروز می-کند (کریک [۶]، ۱۹۹۴).

جامعه آماری و روش نمونه گیری

عبارت است از گروهی از افراد، اشیاء یا حوادث که حداقل دارای یک صفت یا ویژگی مشترک هستند. در پژوهش، مفهوم جامعه به همه افرادی اطلاق می-شود که عمل تعمیم-پذیری در مورد آن-ها صورت می-گیرد. ماهیت پژوهش تعیین-کننده دامنه جامعه است. از نظر اندازه یا حجم، ممکن است یک جمعیت کلاس درس یا میلیون-ها انسان (به عنوان مثال، رأی-دهندگان در انتخابات) باشد (دلور، ۱۳۹۰). بنابراین جامعه آماری این تحقیق، تمامی آثار شهید مرتضی مطهری خواهد بود.

روش و ابزار گردآوری اطلاعات

پژوهشگر باید با ابزارهایی داده های لازم را از جامعه (نمونه) آماری جمع آوری نماید و با تحلیل، پردازش و تبدیل آنها به اطلاعات به آزمون فرضیه ها بپردازد. برای جمع آوری داده ها به ابزارهای گوناگونی نیاز هست. نوع این ابزارها تابع عوامل گوناگونی از جمله ماهیت و روش تحقیق است. هر یک از ابزارهای گوناگون جمع آوری داده، مزایا و معایبی دارند که هنگام بکارگیری آنها باید به این مزایا و معایب و تأثیر آنها در هدف تحقیق توجه کرد و با رعایت نکات لازم، زمینه های افزایش اعتبار تحقیق را فراهم آورد (خاکی، ۱۳۸۴). در این پژوهش، روش تحقیق به صورت جمع-آوری اطلاعات بوده و مهم-ترین ابزار این تحقیق، کتاب و برخی مقالات مرتبط با موضوع، خواهد بود.

نقش ها:

۱_ نقش اجتماعی خانواده در تربیت نوجوانان از دیدگاه استاد مطهری

شناسایی و شناساندن هدف تربیت، از سرفصل های عمده فلسفه آموزش و پرورش ۳۰ و از عوامل هدایت کننده اقدامات تربیتی به حساب می آید. شهید مطهری، ضمن طرح اهداف حقیقی و خیالی زندگی به این نتیجه می رسد که آخرین هدف و آرمان اصلی در اسلام جز خدا چیزی دیگری نیست ۳۱، سایر هدف ها زائیده این هدف ۳۲ و هر کدام منزلی از منازل است نه سر منزل، لذا عبادت هم، چنین است، قرآن می فرماید: ۳۳ (اقم الصلوة لذكری) طه/۱۴ نماز را برای یاد و ذکر من به پا دار. استاد تمام هدفگیری های صحنه زندگی را، بازتاب خداجویی می شناسد. جهت توضیح هر چه بیشتر مطلب، پاسخ ایشان را به این پرسش که چرا انسان تنوع طلب است می خوانیم: (تحلیل صحیح این مطلب این است که انسان اگر به آن چیزی که مطلوب حقیقی و واقعی او است برسد آرام می گیرد. سرگردانی انسان، ناشی از این است که آن حقیقت را به صورت مبهم می خواهد و برای او تلاش می کند. به یک چیز می رسد خیال می کند این، همان است، ولی یک مدتی که از نزدیک او را بو می کند، فطرتش او را رد می کند، می رود سراغ چیز دیگر... این است که قرآن می فرماید: (الذین آمنوا و تطمئن قلوبهم بذكر الله ألا بذكر الله تطمئن القلوب) (رعد/۲۸)، یعنی تنها با یاد خدا دلها آرام می گیرد. ۳۴ ایشان یاد خدا را هدفی می شناسد که با آبیاری آن، تعقل و احساسات نیز رو به رشد می گذارند ۳۵ و با کسب درجات قرب پروردگار، علم، قدرت، حیات، اراده، مشیت و نفوذ نیز تکامل پیدا می کنند. ۳۶ بیاد خدا همان گونه که هدف اساسی تربیت قرآنی شمرده شده است، اساسی ترین پایه و مبنای نظام تربیتی دین نیز به حساب می آید، زیرا در تعریف مبانی تربیت آمده است: (منظور از مبانی آموزش و پرورش، پایه

های اساسی است که آموزش و پرورش بر آنها استوار می شود. ۳۷ آموزش و پرورش دارای چهار پایه یا عامل اساسی است که هم از آنها اثر می پذیرد و هم در آنها اثر می گذارد، این چهار پایه... عبارتند از: مبانی روان شناسی، مبانی اجتماعی، مبانی فلسفی و مبانی اجتماعی. ۳۸ بر اساس دو تعبیر بالا، مبناها و فعالیت های تربیتی، دارای رابطه زیربنایی و روبنایی و تأثیر و متقابل می باشند. درمبانی تربیتی مورد قبول استاد که عبارتند از: حس کرامت، حس حقیقت جویی، وجدان جمعی و خداخواهی، دو ویژگی یادشده به صورت روشن قابل مطالعه هستند و نقش زیربنایی آنها در شکل گیری نظام و اقدام تربیتی و نیز تأثیر و تأثر متقابل بین آنها و فعالیت های پرورشی، تردید ناپذیر است. این مبانی در نگاه اول، متفاوت و با ماهیت هایی روان شناختی، فلسفی و جامعه شناختی به نظر می آیند، ولی با دقتی، مطالعه کننده باور می کند که تمام آنها ماهیت روان شناختی دارند و در نهایت به یک اصل پایه ای برمی گردند که خدا گرایی باشد

۲- نقش عاطفی خانواده در تربیت نوجوانان از دیدگاه استاد مطهری

۲-۱- عاطفه از نظر استاد مطهری

از نظر ایشان معنای عاطفه این است که انسان از حق مشروع خود به نفع دیگری استفاده کند. چنین آدمی باید کلاس قبل از این را طی کرده باشد. کلاس قبل از این کدام است؟ این است که به حقوق مردم تجاوز نکند و حقوق آنها را محترم بشمارد و حق خود را استیفا کند و بعد، از حق مشروع خود به نفع مردم استفاده کند. هر کسی این کار را کرد، به این [خصلت او] عاطفه اجتماعی می گویند (مطهری، ۱۳۷۸، ص ۲۸۴، ج ۲۳).

عواطف، گرایش ها و احساساتی است که توجه انسان را از خود به نفع غیر معطوف می دارد. عواطف، استعدادی است فطری و از سرمایه های مهم آدمی است که در تربیت و کسب فضایل، نقشی اساسی ایفا می کند. زندگی انسان از حرارت عواطف گرم می گردد. احساسات و عواطف انسانی، زندگی را غنی و پر بار ساخته، آن را قابل تحمل نموده، از یک نواختی بیرون می آورد. فداکاری ها، از خود گذشتگی ها، نوازش یتیمان، دستگیری بینوایان، مهر و محبت، عشق و دلسوزی، قدردانی و سپاسگزاری، صله رحم و ... همه و همه از احساسات و عواطف پاک انسانی سرچشمه می گیرد.

بسیاری از جنبش های مهم اجتماعی و حتی صلح و جنگ از عواطف و احساسات نشأت می گیرد. عواطف و احساسات مجموعه ای از انفعالات، انجذابات و حالات ظاهراً متضاد با منافع شخصی است که اگر بر اساس منطق و روی میزان صحیح از آنها استقبال و پیروی گردد، نقش تعیین کننده ای در رشد و تعالی انسان خواهد داشت. اگر نوازش یتیمی دل سوخته و محبت به بینوایی درمانده، آتش قهر الهی را فرو می نشاند، و اگر طوفان خروش و امواج سهمگین غضب، و خشم اعتراض مردان بزرگ و قهرمانان توحید در دفاع از حقوق ستم دیدگان و اعتلای شرافت و مجد انسانها، آتش انقلاب را در توده های عظیم انسانی برای احقاق حق و در هم کوبیدن بینان ظلم و فساد و تبهکاری شعله ور می سازد، و اگر پرواز معنوی انسان به یمن بال عشق و به برکت شور محبت میسر می گردد، تنها به خاطر وجود عواطف انسانی است که خالق مهربان در وجود انسان به ودیعه گذارده است.

عاطفه نوعی میل است که جهت آن به سوی غیر می باشد؛ درست است که عاطفه جهت آن به سوی دیگری است، اما در نهایت، خود انسان نیز پس از ابراز عاطفه نسبت به غیر، در خود احساس شادی و لذت می کند و از اشباع و اعمال عاطفه خود، خرسند می شود و نکته مهم این که خود میل عاطفی و ذات و ماهیت آن، در جهت غیر دوستی است، نه خود دوستی. در عین حال، نتیجه نهایی آن مانند هر میل دیگری، حصول لذت در نفس است.

نقش عقلانی خانواده در تربیت نوجوانان از دیدگاه استاد مطهری

۳-۱- پرورش استعداد عقلانی

در میان استعداد های مخصوص انسان، در درجه اول استعداد عقلانی است، و این همان چیزی است که در ادیان، ما می بینیم که اگر هم خود ادیان و صاحبان اصلی ادیان این جور نباشند ولی غالباً در میان پیروان و روحانیان ادیان این مطلب بوده است

که همیشه دین را به عنوان حقیقتی بر ضد عقل و نقطه مقابل عقل عرضه می‌داشته‌اند و عقل را به عنوان یک وجود مزاحم و یک مانع دین و چیزی که یک انسان متدین باید آن را کنار بگذارد و آلا نمی‌تواند دیندار باشد [معرفی می‌کرده‌اند]. در مسیحیت بالخصوص این مطلب را به وضوح می‌بینیم، و در خیلی ادیان دیگر. حال اسلام با این استعداد انسانی چگونه مواجه شده است؟

اینجا یکی از آن جاهایی است که ارزش واقعی اسلام را به روشنی می‌بینیم. اسلام یک دین طرفدار عقل است و به نحو شدیدی هم روی این استعداد تکیه کرده است؛ نه فقط با او مبارزه نکرده بلکه از او کمک و تأیید خواسته است، و تأیید خود را همیشه از عقل می‌خواهد. در این زمینه آیات قرآن زیاد است، آیات دعوت به تعقل و تفکر یا آیاتی که به شکلی مطلب را طرح کرده‌اند که فکرانگیز و اندیشه‌انگیز است. (مطهری، ۱۳۷۸، ج ۲۲، ص ۶۹۲) کار اصلی عقل روشن‌گری، واقع‌نمایی، آینده‌نگری و قرار دادن انسان در مسیر عقاید، اخلاق و اعمال شایسته است. انسان موجودی متفکر آفریده شده است و انسان باید فکر و عقل را به کار گیرد تا حقیقت را کشف کند. عقل طبق آنچه فطرت به او الهام کرده، راه خود را در شناخت حقایق و احکام می‌یابد. عقل نیرویی است که توانایی دارد جهان را آنچنان که هست کشف کند، واقعیت جهان را آنچنان که هست درخود منعکس کند، آینه ای است که می‌تواند صورت جهان را در خود صحیح و درست منعکس کند. عقل یک نیروی محافظه کارانه است، یعنی عقل مأموریتش حفظ است، آدم عاقل همیشه می‌خواهد احتیاط کند، می‌خواهد خودش را نگه دارد.

از مجموع سخنان استاد مطهری استنباط می‌گردد که عقل عبارت است از نیرویی که با تجزیه و تحلیل مسائلی که در برابر او قرار دارد و سبک و سنگین نمودن آنها انسان را برای اخذ تصمیمی مستقل و آزاد از هوی و هوس و نشانه‌های اجتماعی و تاریخی یاری می‌رساند و هر چه عقل انسان کامل تر باشد، مستقل تر باشد، آزادانه تر می‌تواند نقد و انتقاد کند و تصمیم بگیرد و از این رهگذر انسان قادر خواهد بود از پوسته جهان به مغز آن نفوذ کند و سیطره و حاکمیت خدا را در همه ذات هستی مشاهده نماید و با همه وجود خدا را در تاریخ و جامعه ادراک کند.

۱_۴ نقش دینی خانواده در تربیت نوجوانان از دیدگاه استاد مطهری

شهید مرتضی مطهری در موضوع تعلیم و تربیت «انسان» را عنصر محوری و اساسی می‌داند اما معتقد است که با توجه به نوع نگاه به انسان، «تربیت» متفاوت خواهد بود. اگر نگاه ما به انسان، مادی باشد، تربیت پرداختن به یک پدیده صنعتی است و تمام عناصر و عوامل آن متوجه ساختن ابعاد جسمی او خواهد بود، اما اگر نگاه ما به انسان، فراتر از نگاه مادی باشد بلکه به ابعاد روح و روان وی توجه داشته باشیم و آن را پایه اساسی انسانیت به شمار آوریم و انسان را خلیفه خدا در نظر بگیریم، نگاه به تربیت، بسیار متفاوت می‌شود. از این رو، نگرش به انسان در موضوع تعلیم و تربیت وابسته به نوع نگاه ما به انسان است. تربیت در نگاه دوم مشتمل بر پرورش جسم، روح، استعدادهای اصیل و رفع نیازهای واقعی انسان است. بر این اساس، تربیت عبارت است از پرورش استعدادهای درونی انسان و از آنجا که هویت و ماهیت حقیقی انسان را روح او تشکیل می‌دهد، تربیت باید در راستای شکوفا کردن استعدادهای روحی و برطرف‌کننده نیازهای حقیقی انسان باشد.

هدف مکتب تربیتی اسلام، پرورش استعدادها، قابلیت‌ها، رفع نیازهای حقیقی انسان و ایجاد تعادل بین آنها برای دستیابی انسان به تکامل است. بنابراین، کاری که در این مکتب می‌تواند انجام گیرد، بر دو پایه استوار است؛ کوشش در راه شناخت استعدادهای انسان و پرورش دادن آنها و همچنین برقراری یک نظام تربیتی میان استعدادهای انسانی و نیازهای حقیقی وی که به واسطه وجود این نظام، هیچ افراط و تفریطی بر انسان حکم‌فرما نباشد و هر نیرو و استعدادی بهره خودش را ببرد و به بقیه تجاوز نکند.

از این دیدگاه، استعدادهای انسان دو نوع‌اند: استعدادهای مشترک بین انسان و سایر جانداران، که همان امور جسمانی هستند، و استعدادهای اختصاصی انسان مانند تفکر، تعلم، استعدادهای اخلاقی، دینی یا فطری. مکتب تربیتی جامع، مکتبی است که به انواع استعدادهای خدادادی توجه کند و در مسیر شکوفایی آنها گام بردارد. بر این مبنا، مکتب تربیتی اسلام به هر دو بعد

توجه کرده و «جسم» و «روح» و نیازهای هر کدام را در کنار هم دیده اما در عین حال، بر آن است که روح انسان، بعد اصیل او را تشکیل می‌دهد و جسم همچون ابزاری برای تعالی روح است.

شهید مطهری معتقد است که اهمیت شکوفایی استعدادهای روحی انسان، بیش از استعدادهای جسمی اوست و بر این اساس، وی استعدادهای اصیل و نیازهای واقعی انسان را بررسی کرده است. آنچه در ادامه می‌آید، نمونه‌هایی از اندیشه ایشان در نظام تعلیم و تربیت اسلامی است.

۱_۵ نقش فرهنگی جامعه در تربیت نوجوانان از دیدگاه استاد مطهری

مراجعه به آثار آقای مطهری نشان می‌دهد که ایشان در بحثی مستقیم در باره فرهنگ به تعریف فرهنگ مبادرت نکرده است اما در کتاب شرح منظومه هنگام شرح مفهوم انواع کلی اعم از اعتباری و غیره برای مثال و روشن کردن مطلب مورد نظر خود نیان مقصود خود را در قالب تعریف فرهنگ آورده است. ایشان در این باره می‌نویسد: فرهنگ عبارت است از یک نوع فعل و انفعالی که در روان‌ها صورت می‌گیرد. باید توجه داشت موضوع بحث ایشان در آن موقعیت، بحث انواع کلی است و ایشان به نوع خاصی از کلی حقیقی اشاره می‌کند که در آن ترکیب اجزاء، یک ترکیب حقیقی است اما طبیعی نیست. بر خلاف ترکیب مصنوعی که در آن هویت اجزا در ترکیب از بین نمی‌رود، هر چند کلیت ترکیب هدف واحدی را دنبال می‌کند. همچنین این نوع ترکیب با ترکیب طبیعی هم متفاوت است زیرا در آن اجزا به طور کلی هویت خود را از دست داده و هویت خود را از ترکیب می‌گیرند. از آنجا که آقای مطهری در باره جامعه نیز با استناد به وجود اصل فطرت در انسان‌ها چنین نظری دارند می‌توان گفت دیدگاه ایشان در باره فرهنگ و جامعه یکسان است.

توضیح اینکه آقای مطهری با رد وجود عینی جامعه به عنوان ترکیب طبیعی و مصنوعی و دیدگاهی که اصلاً جامعه را ترکیب ندانسته و وجود جامعه را به افراد بر می‌گرداند جامعه را دارای وجود عینی و قانونمندی معرفی می‌کند که از افراد انسانی که بدون اینکه لوح سفیدی باشند که جامعه یا تاریخ آنها را شکل می‌دهد انسان را دارای فطرتی می‌داند که سرمایه خاصی در انسان است و از برخورد این سرمایه‌ها و تاثیراتی که انسان از محیط اطراف خود می‌گیرد جامعه و بنابراین فرهنگ شکل می‌گیرد.

به این ترتیب می‌توان گفت فرهنگ عبارت از مجموعه‌ای از احساسات، اندیشه‌ها، عواطف و ارزش‌ها و گرایشاتی است که از یک طرف ریشه در فطرت انسان‌ها دارد یعنی از روان آنها سرچشمه گرفته و از طرف دیگر عوامل اجتماعی نیز روی آن تاثیرات خاصی بر جای می‌گذارد.

ناگفته نماند که آقای مطهری در نوشته‌های خود به ابتدای فرهنگ بر فطرت انسانی تصریح می‌کند. او می‌نویسد: «... جامعه‌ها و تمدن‌ها و فرهنگ‌های امروزی را فرضاً مختلف النوع و مختلف الماهیه ندانیم، مختلف کیفیه، مختلف الشكل و مختلف اللون بودن آنها را نمی‌توان انکار کرد. آینده جوامع بشر چگونه است؟ آیا این فرهنگ‌ها و تمدن‌ها و این جامعه‌ها و ملیت‌ها برای همیشه به وضع موجود ادامه می‌دهند یا حرکت انسانیت به سوی تمدن و فرهنگ یگانه و جامعه یگانه است و همه این‌ها در آینده رنگ خاص خود را خواهند باخت و به یک رنگ - که رنگ اصلی است و رنگ انسانیت است - در خواهند آمد؟ این مساله نیز وابسته است به ماهیت جامعه و نوع وابستگی روح جمعی و روح فردی به یکدیگر باید گفت جامعه‌ها و فرهنگ‌ها و تمدن‌ها به سوی یگانه شدن متحد الشكل شدن و در نهایت امر در یکدیگر ادغام شدن سیر می‌کنند و آینده جوامع انسانی، جامعه جهانی تکامل یافته است که در آن همه ارزش‌های انسانی ... به فعلیت می‌رسد و انسان به کمال حقیقی و سعادت واقعی خود و بالاخره به انسانیت اصیل خود خواهد رسید. (مطهری مرتضی، انسان و ایمان، ص ۵۶)

استاد در بخش دیگری از همان کتاب به طرح ابتدای فرهنگ به فطرت پرداخته است و می‌نویسد: ملی یا طبقاتی دارد. آنچه وجود دارد یا در آینده وجود خواهد داشت فرهنگ هاست نه فرهنگ؟

این مساله نیز وابسته به این است که آیا نوعیت انسان از فطرتی یگانه یا اصیل برخوردار است و همان فطرت اصیل و یگانه به فرهنگ انسان یگانگی می‌دهد؟ یا چنین فطرت یگانه‌ای در کار نیست. فرهنگ‌ها ساخته عوامل تاریخی قومی و جغرافیایی و

یا ساخته گرایش های منفعت طلبانه طبقاتی است؟ اسلام به حکم اینکه در جهان بینی اش قائل به فطرت یگانه است، هم طرفدار ایدئولوژی یگانه است و هم طرفدار فرهنگ یگانه. (مطهری مرتضی، انسان و ایمان، صص ۶۱-۶۰)

به این ترتیب در نهایت در بحث از تعریف و ماهیت فرهنگ از نظر استاد مطهری با در نظر گرفتن مطالب بالا می توان به این جمع بندی و نتیجه گیری رسید که فرهنگ نیز همانند جامعه وجود عینی دارد و مبتنی بر فطرت و شرایط و محیط انسان است.

استاد مطهری در کتاب جامعه و تاریخ در نقد نظریه ناسیونالیستی و ملی گرایانه فرهنگ به اظهار نظری در باره فرهنگ اسلامی می پردازد که می توان آن را دیدگاه مختار ایشان در باره مهندسی فرهنگی تلقی کرد. ایشان در کتاب فوق در وهله اول از فرهنگی ویژه ی دین اسلام به نام فرهنگ اسلامی سخن می گوید. در مرحله دوم این فرهنگ اسلامی را دارای رسالتی خاص می داند و در مرحله سوم برداشتن گام هایی خاص و طی مراحل ویژه را برای تحقق رسالت فرهنگ اسلامی بر می شمارد که می توان از آن گام ها به عنوان نوعی مهندسی فرهنگی تعبیر کرد. ایشان می نویسد:

«اینکه گفته می شود مذهب عقیده است و ملیت شخصیت و رابطه این دو رابطه عقیده و شخصیت است ... به معنای نفی بزرگترین رسالت مذهب است. مذهب آن هم مذهبی مانند اسلام بزرگترین رسالتش دادن یک جهان بینی بر اساس شناخت صحیح از نظام کلی موجود بر محور توحید و ساختن شخصیت روحی و اخلاقی بر اساس همان جهان بینی و پرورش افراد جامعه بر این اساس است که لازمه اش پایه گذاری فرهنگی نوین است که فرهنگ بشری است نه فرهنگ ملی. این که اسلام فرهنگی به جهان عرضه کرد که امروز به نام فرهنگ اسلامی شناخته می شود نه از آن جهت بود که هر مذهبی کما بیش با فرهنگ موجود مردم خود در می آمیزد و از آن متأثر می شود ... بلکه از آن جهت بود که فرهنگ سازی در متن رسالت این مذهب قرار گرفته است. رسالت اسلام بر تخلیه انسان ها است از فرهنگ هایی که دارند و نباید داشته باشند و تخلیه آنها به آنچه ندارند و باید داشته باشند و تثبیت آنها در آنچه دارند و باید هم داشته باشند.» (مطهری، جامعه و تاریخ، ص ۵۵)

همچنانکه ملاحظه می شود استاد مطهری بعد از بحث در باره اینکه فرهنگ سازی در متن رسالت دین اسلام است، سه حرکت و گام را برای ساختن یا به عبارت دیگر مهندسی فرهنگی اسلامی برمی شمارد؛ تخلیه، تحلیل و تثبیت فرهنگی. مطهری برای مهندسی فرهنگی مورد نظر خویش سه مرحله را در نظر می گیرد و هر کدام از این مراحل را هم با مفهوم خاصی بیان می کند. این مفاهیم عبارتند از تخلیه فرهنگی، تحلیل فرهنگی و تثبیت فرهنگی. البته باید در نظر داشت که این سه مرحله در عالم واقع از یکدیگر جدا نیستند ولی در عالم نظر و به لحاظ نظری و تحلیلی می توان آنها جدا از هم در نظر آورده و به تبیین و موشکافی هر کدام از آنها پرداخت. باید دید که هر کدام از این مراحل واجد چه معنایی بوده و دارای چه الزام هایی می باشند.

۱_ نقش اقتصادی جامعه در تربیت نوجوانان از دیدگاه استاد مطهری

شهید مطهری در آثار خود با استفاده از آیات قرآن و گفتار پیشوایان دین، اصول متعددی را مطرح کرده است که در شکل گیری نظام اقتصادی اسلام مؤثرند.

اصالت داشتن فرد و جامعه

یکی از مباحث اختلافی که نقش تعیین کننده ای در تعیین نظام های اقتصادی دارد، مسأله اصالت داشتن فرد یا اجتماع است. اهمیت این مسأله از آن جا است که جهت گیری اهداف نظام را تعیین می کند که به سمت منافع فرد باشد یا اجتماع، و همان طور که توضیح خواهیم داد، بسیاری از اصول دیگر نظام، همانند اهداف آن از تبیین این مسأله شکل می گیرد؛ برای مثال، در نظام های سرمایه داری به علت فردگرایی، رفتارهای اقتصادی به گونه ای سازماندهی می شوند که منافع افراد تأمین شود و بر همین اساس، مصرف کننده حاکم است و تعیین می کند چه چیز، چه مقدار و برای چه کسی تولید شود. تولید کننده نیز در این نظام به دنبال حداکثر کردن سود خود است؛ یعنی کالاهایی را تولید می کند که سودآوری بیش تری برای او داشته باشد.

این جمله معروف اسمیت است که هر گاه هر کسی، منافع خودش را حداکثر کند، منافع جامعه هم تأمین خواهد شد و بر همین اساس، مالکیت خصوصی، آزادی اقتصادی و دخالت حداقل دولت را تجویز می‌کنند. این در حالی است که نظام سوسیالیست بر اساس اصلت دادن به جمع، و اعتباری دانستن فرد، اقتصاد دولتی را پیشنهاد کرده، هیچ‌گونه حقی برای افراد به صورت فردیت قائل نیست. نفی مالکیت خصوصی، نفی آزادی اقتصادی و دخالت گسترده دولت در اقتصاد از نتایج این تفکر است.

در نظام اقتصادی اسلام، بر خلاف دو نظام پیشین، مصالح فرد و جامعه حاکم است. حاکمیت مصالح فرد و جامعه از دیدگاه اسلام به معنای حاکمیت احکام شرعی است. این مصالح در قالب نظام کنترل شده بازار مقدار و چگونگی تولید را تعیین می‌کند.

شهید مطهری در این باره می‌فرماید:

اصلت فردی‌ها می‌گویند: اجتماع، امر اعتباری است؛ فرد اصلت دارد، و اصلت اجتماعی‌ها می‌گویند: اجتماع اصلت دارد، فرد اعتباری است. هر دو نادرست است. هم فرد اصلت دارد و هم اجتماع. ... این حرف درست نیست که اجتماع فقط مجموع افراد است. اجتماع بیش از مجموع افراد است. اجتماع روی فرد اثر می‌گذارد و فرد روی اجتماع. اجتماع واقعاً مجموعش یک واحد است. خودش روح دارد، عمر دارد (مطهری، ۱۳۷۳ «ب»: ج ۱، ص ۳۲۹ و ۳۳۰)

آیت‌الله مطهری، اعتبار مالکیت برای اجتماع و دولت را نیز از نتایج بحث اصلت اجتماع می‌داند (همان: ص ۳۲۵ - ۳۳۲). وی همچنین درباره ارتباط عدالت با مسئله اصلت فرد و اجتماع می‌گوید:

عدالت اگر معنایش توازن باشد، باز از آن معنای «اعطاء کلّ ذی حق حقه» بیرون نیست. چرا؟

توازن اجتماع به این است که حقوق همه افراد رعایت بشود، حق اجتماع هم رعایت بشود (همان: ص ۳۳۶)

بر همین اساس است که استفاده از منابع طبیعی را به گروهی خاص منحصر ندانسته، هر گونه احتکار و حبس این منابع را مردود می‌شمرد:

نظر اسلام در مورد اقتصاد مبتنی است بر یک اصل فلسفی و آن این‌که زمین و منابع اولیه برای بشر یعنی برای این‌که زمینه فعالیت و بهره برداری بشر قرار بگیرد، آفریده شده است: «ولقد مکنّاکم فی الارض و جعلنا لکم فیها معاش قلیلاً ما تشکرون (اعراف: ۱۰)؛ و همانا شما را در زمین مأوا دادیم و در آن برای شما روزی‌ها قرار دادیم و چه کم شکرگزاری می‌کنید» در هیچ‌کدام از این دو عامل، یعنی عامل مورد استفاده و عامل استفاده کننده نباید موجبات حبس و تعطیل و رکود فراهم شود (همو، ۱۳۶۸ «ب»: ص ۲۱۴)

عده‌ای یا همه افراد بالاشتراک مالک ثروتی باشند و بالاشتراک از آن بهره ببرند. اسلام نه با قبول مالکیت عمومی در مثل انفال، مالکیت فردی را به طور مطلق طرد کرده و نه با قبول مالکیت فردی، مالکیت عمومی را نفی کرده است. در آن‌جا که پای کار افراد و اشخاص است، مالکیت فردی را معتبر می‌شمارد و در آن‌جا که پای کار افراد و اشخاص نیست، مالکیت را جمعی می‌داند (همان: ص ۵۲ و ۵۹)؛

البته وی مالکیت فردی را نیز محدود می‌داند و می‌فرماید:

کسی نباید گمان کند که اگر مالک خصوصی مالی شد، اختیار مطلق دارد می‌تواند آن را حبس کند؛ زیرا مطابق آنچه گفتیم، خداوند، انسان را فاعل، و منابع اولیه را قابل آفریده است، و این قوه فاعلی خواسته که از آن ماده قابل استنتاج کند. خود زکات

بر طلا و نقره عنوان جریمه دارد؛ لهذا علیعلیه السلام فرمود: انکم مسؤولون حتی عن البقاع والبهائم (همان: ص ۲۱۵)

یکی دیگر از محدودیت‌های مالکیت خصوصی از نظر شهید مطهری این است که برخلاف نظر سرمایه داری که معتقد است اختلاف ثروت و دارایی افراد می‌تواند خیلی فاحش باشد، از نظر اسلام، اختلاف فاحش که منتهی به فقر طبقه دیگر نه به

واسطه بیماری، بلکه به واسطه بیکاری یا کمی مزد بشود، جز از طریق ظلم و استثمار ممکن نیست (همان: ص ۲۲۹)

شهید مطهری در بحث مالکیت فقط در دو مسأله، خلاف مشهور یا خلاف اتّ دکتر مرادی:

فاق فقیهان مشی کرده است. مسأله اول که با تردید به آن نگاه می‌کند، استفاده از ارزش اضافی نیروی کار و مسأله دوم، مالکیت صنعتی است. درباره مسأله اول فرموده است:

یکی از ویژگی‌های مارکسیست‌ها این است که مالکیت بر ابزار تولید را به طور کلی نفی می‌کنند و تنها مالکیت حاصل از کار را قانونی می‌دانند و درباره مالکیت ثروت به وسیله استخدام نیروی کار در یک مؤسسه تولیدی مدعی هستند که سودی که سرمایه دار از این راه می‌برد، همان ارزش اضافی نیروی کار است، و منتهی به استثمار می‌شود.

به طور مسلم، اسلام اصل استخدام، مزد دادن در کارهای غیرتولیدی نظیر مزد خیاط و مستخدم خانه و... را تجویز می‌کند و لازمه معتبر شناختن مالکیت فردی ولو در غیر وسائل تولید، ضرورت این عمل است و اما استخدام کارگر برای تولید و فروش محصول کار او، معلوم نیست که در صدر اسلام تا زمان‌های نزدیک به زمان ما این چنین عملی بوده است یا نبوده است. به هر حال، اگر به دلیل قاطع ثابت شود که سودی که از این راه عاید مالک می‌شود، ارزش اضافی نیروی کارگر است و ظلم و استثمار است، آیا با اصول اسلام قابل انطباق هست یا نیست؟ به علاوه، قطع نظر از ارزش اضافی، مستلزم تسلط اقتصادی و حتی سیاسی افرادی بر اجتماع است و آیا اسلام این گونه تسلط‌ها را می‌پذیرد یا نه؟ اسلام مالکیت فردی و شخصی را در سرمایه‌های طبیعی و صناعی نمی‌پذیرد و مالکیت را در این امور عمومی می‌داند (همان: ص ۲۳۰)

استاد درباره سرمایه‌های طبیعی می‌نویسد:

آن دسته از محصولات طبیعت که کاری روی آن‌ها صورت نگرفته، مانند ماهی‌ها و جواهر دریا، علف‌های کوهی، جنگل‌ها و معدن‌ها،... مسلمان موجب وجود ندارد که شخص را مالک آن‌ها بدانیم (همان: ص ۵۴)

درباره مالکیت صنعتی نیز چنین نظر می‌دهد:

ماشین از آن نظر که مظهر ترقی اجتماع است و محصول ماشین را نمی‌توان محصول غیرمستقیم سرمایه‌دار دانست، بلکه محصول غیرمستقیم شعور و نبوغ مخترع است و آثار شعور و نبوغ نمی‌تواند مالک شخصی داشته باشد؛ پس ماشین‌های تولید نمی‌تواند به اشخاص تعلق داشته باشد (همان: ص ۵۸)

نتایج

شهید مطهری درباره جایگاه تربیتی خانواده از نظر اجتماعی، عاطفی، عقلانی، دینی، فرهنگی و اقتصادی نظراتی را در آثار خود اراده داده‌اند که مهم‌ترین نتایج آن بدین شرح است:

نقش اجتماعی

شهید مطهری در نسبت به جامعه - ای که در آن به سر می‌برد، درک عمیق و صحیحی از علوم اجتماعی داشت. ایشان در برخی نوشته‌هایش، یک واقعیت اجتماعی را به مثابه موضوع مطالعه، برگزیده و تلاش کرده با رویکرد اجتماعی، روایت و تفسیری از آن عرضه بدارد. تحلیل توصیفی و تعلیلی او از انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷، یکی از این نمونه‌هاست. ایشان می‌نویسد: انقلاب اسلامی ایران، تنها قیام علیه استبداد سیاسی یا اقتصادی نبود؛ بلکه قیام علیه فرهنگ غرب، ایدئولوژی غربی، دنباله - روی از تفکر غربی بود، بازگشت به هویت اسلامی و "خود" واقعی و روح جمعی این مردم - یعنی قرآن - بود. این قیام، نوعی سرخوردگی از راه و روش - ها و راه - حل - های غربی و بازیابی "خود" جمعی و ملی اسلامی - ایرانی بود. تحلیل ماهیت فرهنگ اسلامی مطالعه تعاملات فرهنگ اسلامی و جامعه ایرانی، تعلیل فرهنگی انحطاط تمدنی مسلمین، غرب - شناسی فرهنگی و... موارد دیگری از این دست است. بنابراین، شکی نیست که می‌توان آیت - الله شهید را یک متفکر فرهنگی، بلکه یک نظریه - پرداز فرهنگی، دانست. از آن - جا که علامه مطهری در درجه - نخست یک متفکر و نظریه - پرداز فرهنگی بود، بیش از هر چیزی نسبت به استقلال فرهنگی جامعه - ایران حساسیت نشان می‌داد.

استاد مطهری مطالب و معارف عمیق اسلامی را با بیانی رسا و قلمی روان عرضه کرد تا جامعه از آن‌ها استفاده کند؛ زیرا اگر این مطالب را با اصطلاحات غامض و پیچیده علمی ارائه می‌داد، نیاز جامعه برطرف نمی‌شد و نوشته‌های ایشان نیز چندان مؤثر واقع نمی‌گردید.

نقش عاطفی

یکی از ابعاد شخصیت انسان که هر کس وظیفه دارد که به رشد صحیح آن بپردازد، بعد عاطفی است یعنی هر انسانی به طور فطری و طبیعی از غرایزی چون حبّ ذات، ریاست-طلبی، مال، مقام-دوستی، شهوت و غضب و ... و عواطفی همچون نوع-دوستی، محبت به دیگران، ترحم بر ضعیفان و زیردستان و ... برخوردار است. که همگی آن-ها فی حدّ ذاته و به نوبه خود نیکو و مفید و حتی لازمه زندگی انسانی است، لذا باید به نحو شایسته پرورش یابند و ارضاء شوند و اما مسأله مهم و وظیفه و مسئولیت سنگینی که هر انسانی بر عهده دارد آن است که جا و مکان به کار بردن غرایز و عواطف و نحوه به کار بستن و نیز میزان ظهور و بروز آن-ها را به خوبی بشناسد تا آن-ها از راه تعادل خارج نشوند و بر اثر افراط و تفریط انسان را به زبونی و خواری و هلاکت نکشاند و در این وادی یکی از عوامل بسیار مؤثر که می-تواند بشر را یاری و او را از خطرات نجات بخشد عقل است. لازمه معتدل بودن حالات طبیعی نفس این است که فرد، از فضیلت قوه عقلانی یعنی حکمت عملی بر خوردار باشد. در واقع به خاطر تبعیت تمایلات از قوه عقلانی است که فرد، در حالت تعادل قرارداشته و قادر به انجام افعال فضیلت-مندانه است. فردی که دارای فضایل اخلاقی و عقلانی است، پس از تأمل درباره فعلی که باید انجام دهد و تشخیص عقل، نسبت به انجام فعل، تمایل و گرایش پیدا می-کند.

از نظر شهید مطهری، اخلاق کامل، اخلاقی است که بر اساس نیرومندی عقل و نیرومندی اراده باشد و میل-های فردی، میل-های نوعی و اشتیاق-ها همه تحت کنترل عقل و اراده باشد. قهرمان حقیقی اخلاق آن کسی است که بر وجودش عقل و اراده حاکم است و البته در وجود انسان عواطف غیرفردی هم زیاد وجود دارد ولی آن-ها چشمه‌هایی است در وجود انسان که با کنترل عقل و اراده در جای خودش باز می‌شود. و لذا انسان-های کامل این-چنین، گاهی کارهایی از آن-ها صادر می‌شود که در نهایت رقت عاطفی است و وقتی انسان روح این-ها را در آن صحنه می‌بیند، می‌بیند از گل نازک-تر و از نسیم لطیف-تر است، ولی همان انسان را در جای دیگر با یک خشونت می‌بینید که کوه به آن خشونت نمی‌رسد. اگر انسانی صرفاً تحت تأثیر عاطفه خودش باشد، از آنجا که عاطفه منطق ندارد و کور است، آن شخص باید در همه موارد همین جور باشد. ولی وقتی که چشمه عاطفه در وجودش در اختیار عقل و اراده است، چون عقل حسن و قبح ذاتی امور را درک می-کند. در یک جا روحش لطافت و رقت و عظمت این-گونه نشان می‌دهد و در جای دیگر او را در نهایت خشونت می‌بینی که هیچ تکان نمی‌خورد. از نظر استاد مطهری اگر چه رویکرد عواطف به سوی غیر می-باشد اما در نهایت نتیجه نهایی آن مانند هر میل دیگر، حصول لذت در نفس می-باشد که بازگشت آن به خود فرد است. از نظر ایشان عاطفه، گذشت از حق مشروع خود به نفع دیگری است. نکته مهم در نقطه نظرات استاد مطهری این است که: معیار فعل اخلاقی این است که اختیاری و اکتسابی باشد نه غریزی. بدین قرار محبت مادر نسبت به فرزند، اگر چه قابل مدح و ستایش است اما چون غریزی است، نمی-تواند مصداق عمل اخلاقی واقع شود.

نقش عقلانی

شهید مطهری درباره جایگاه تربیتی خانواده از نظر اجتماعی، عاطفی، عقلانی، دینی، فرهنگی و اقتصادی نظرانی را در آثار خود اراده داده-اند که مهم-ترین نتایج آن بدیم شرح است:

نقش اجتماعی

شهید مطهری در نسبت به جامعه-ای که در آن به سر می-برد، درک عمیق و صحیحی از علوم اجتماعی داشت. ایشان در برخی نوشته-هایش، یک واقعیت اجتماعی را به مثابه موضوع مطالعه، برگزیده و تلاش کرده با رویکرد اجتماعی، روایت و تفسیری از آن عرضه بدارد. تحلیل توصیفی و تعلیلی او از انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷، یکی از این نمونه-هاست. ایشان می-نویسد: انقلاب اسلامی ایران، تنها قیام علیه استبداد سیاسی یا اقتصادی نبود؛ بلکه قیام علیه فرهنگ غرب، ایدئولوژی غربی، دنباله-روی از تفکر غربی بود، بازگشت به هویت اسلامی و "خود" واقعی و روح جمعی این مردم - یعنی قرآن- بود. این قیام، نوعی سرخوردگی از راه و روش-ها و راه-حل-های غربی و بازیابی "خود" جمعی و ملی اسلامی-ایرانی بود. تحلیل ماهیت فرهنگ اسلامی مطالعه تعاملات فرهنگ اسلامی و جامعه ایرانی، تعلیل فرهنگی انحطاط تمدنی مسلمین،

غرب- شناسی فرهنگی و... موارد دیگری از این دست است. بنابراین، شکی نیست که می-توان آیت-الله شهید را یک متفکر فرهنگی، بلکه یک نظریه-پرداز فرهنگی، دانست. از آن-جا که علامه مطهری در درجه- نخست یک متفکر و نظریه-پرداز فرهنگی بود، بیش از هر چیزی نسبت به استقلال فرهنگی جامعه-ایران حساسیت نشان می-داد. استاد مطهری مطالب و معارف عمیق اسلامی را با بیانی رسا و قلمی روان عرضه کرد تا جامعه از آن‌ها استفاده کند؛ زیرا اگر این مطالب را با اصطلاحات غامض و پیچیده علمی ارائه می‌داد، نیاز جامعه برطرف نمی‌شد و نوشته‌های ایشان نیز چندان مؤثر واقع نمی‌گردید.

باکاوشی در آثار استاد مطهری در می-یابیم که بسیاری از روش-ها و کنش-ها (اعمال)، برگرفته از خرده‌های پاک انسانی-اند. آری، خردمند با استفاده از ابزار «اخلاق نیکو» رشته دوستی را استوار، روزی خود را پایدار و زندگی-اش را هدفدار می-نماید. نفس انسان اگر بهره-ای از خرد داشته باشد، به تمام واقعیت-های زندگی خردمندانه نظر می-کند. هدف اصلی زندگی دستیابی به کمال و سعادت است. حال اگر خواسته-های حیوانی و شهوات نفسانی بخواهند عقل انسان را در بند کشند و او را اسیر خواهش-هایشان کنند، رسیدن به کمال، ممکن نخواهد بود. هر کار پسندیده-ای که خردمندان، آن را ستایش می-کنند و انسان-ها آن را اخلاق نیکو می-خوانند، پایه و اساس خردورزی است.

همچنین می-توان گفت که: بزرگ-ترین منبع سعادت آدمی در پرورش فعالانه قوای عقلی او نهفته است که موجب خود شکوفایی، خودپروری و استکمال انسان است. دلیل وجودی هر انسانی شناخت، پرورش و به کار بستن قوای عقلی خویش است. شخصی که به راستی رفتاری انسان-وار دارد، از عالی-ترین قوه و فصل ممیز خویش یعنی عقل، فرمانبرداری می-کند. افراد در عین عاقل بودن عاطفی و ارادی نیز هستند. اگر چه عواطف برای درک لذت و اراده برای نیل به غایات وسیله-اند، ولی هم عاطفه و هم اراده به شایستگی تحت فرمان عقل قابل اداره-اند. وقتی که انسان تحت فرمان شهوات، عواطف و امیال باشد، هوشمندانه و بخردانه عمل نکرده، گوهر انسانی خویش را تباه خواهد ساخت. هنگامی که عقل بر آدمی حکومت کند، وی قادر می-شود که در شخصیت اخلاقی خویش فضیلت را چنان پرورش دهد که میانگینی بین سرکوب امیال از یک سو و بی بندوباری یا افراط در عواطف و شهوترانی از سوی دیگر باشد. قهرمان حقیقی اخلاق آن کسی است که بر وجودش عقل و اراده حاکم باشد و عواطف و میل-های فردی و اشتیاق-ها همه تحت کنترل و فرمانروایی عقل باشد. زیرا در انسان عواطف بسیاری وجود دارند که آن-ها چشمه-هایی هستند که تحت فرمانبرداری از عقل باز شده و می-جوشند.

نقش دینی

علامه شهید مرتضی مطهری که در خصوص تربیت انسان نیز دیدگاه‌هایی دارد با الهام از مکتب تربیتی اسلام معتقد است: تربیت پرورش استعداد های درونی و به فعلیت در آوردن آن‌ها است) با مطالعه آثار ایشان اصول و قواعدی می‌توان استنباط کرد که رعایت آن‌ها رسیدن به اهداف تربیت اسلامی را ممکن می‌سازد. اصول تعلیم و تربیت، قواعد عمل برای رسیدن به هدف های تربیتی به شمار می‌آید. به همین دلیل نوع اهداف تربیتی در چگونگی شکل‌گیری نوع اصول تاثیر مستقیم دارد. نظر به اینکه از دیدگاه شهید مطهری، تربیت انسان الهی هدف غایی نظام تعلیم و تربیت الهی است اصولی باید ارائه شود که به تحقق این هدف کمک کند. آنچه در این تحقیق ارائه شد مجموعه اصولی بود که بر اساس دیدگاه علامه شهید مطهری تنظیم شده بود. بدون تردید برنامه ریزان و مربیان می‌توانند با توجه به آن‌ها دانش آموزان و دانشجویان را در تربیت اسلامی یاری رسانند زمینه‌های تحقق هدف های تربیت اسلامی را فراهم سازند.

استاد شهید همچون بسیاری از روانشناسان نیایش و پرستش را به عنوان حسی اصلی در انسان پذیرفته است و آن را حسی می‌داند که اگر بنا شود تربیت کاملی برای ایجاد انسان کامل یا نیمه کامل رخ دهد، نمی‌توان از آن غفلت کرد. از نظر شهید مطهری اگر انسانی به دنبال تربیت خود، فرزندان یا افراد دیگر به تربیت اسلامی است، باید به مسئله نیایش، دعا و عبادت اهمیت وافر دهد؛ چراکه عبادت صرف نظر از اینکه خود پرورش دهنده یک حس اصیل انسانی است، تأثیر بسیار زیادی بر سایر نواحی انسان دارد. البته شهید تأکید دارند که این پرورش حس عبادت باید به معنای واقعی باشد، وگرنه «چهارتا خم و راست شدن به صورت نماز که انسان خودش هم نمی‌فهمد چه می‌کند و اصلاً نمی‌فهمد که حال یعنی چه، مناجات یعنی چه، راز و

نیاز یعنی چه، منقطع شدن به حق یعنی چه و اینکه لحظاتی بر انسان بگذرد که در آن لحظات اصلاً انسان چیزی از غیر خدا به یادش نیاید، یعنی چه، این عبادت نیست و نیز انسان فقط دهانش را یک ماه رمضان هر روز از صبح تا غروب ببندد، این عبادت نیست. پس قطعاً این حس باید در ما پرورش پیدا کند تا یکی از ارکان تربیت اسلامی در ما پیدا شود. «شهید تأثیرات عبادت را در کتاب آزادی معنوی به صورت مبسوط تری ادامه می دهند. در مجموع از جمیع فرمایشات ایشان می توان نتیجه گرفت عبادات نه تن ها آرام کننده بخشی از حس های اصیل و نیاز های عمیق انسانی است و از این رو آرام بخش تلاطمات روحی انسان و ارتقای معنوی و عرفانی اوست، بلکه تقویت کننده ایمان و اراده آدمی نیز است و از همین جهات در مسیر تربیت اسلامی بسیار حائز اهمیت می باشد.

نقش فرهنگی

فرهنگ از منظر استاد مطهری، در یک معنای خاص، به معنای اندوخته های معنوی اسلام است و نسبت با اسلام، که دینی فرهنگ ساز است، ذیل دین قرار می گیرد. اما فرهنگ در یک معنای عام، به عنوان بعد معنوی تمدن و با رویکردی انسان شناسانه، مجموعه اندوخته های معنوی یک ملت و جامعه است که دارای تعاملی دو سویه با دین است؛ تعاملی که مبتنی بر حقیقت و حقیقت جویی است. بر اساس این تعامل دو سویه، دین با تأیید مقوله هایی از فرهنگ های مختلف، فرآورده های صحیح و حقیقی را تغذیه می کند و چون خود نیز شعار هایش مبنی بر حقیقت است و نسبت به رنگ و نژاد و طبقه، بی رنگ و «لابشرط» است، اقوام و ملیت های مختلف بر اساس حقیقت جویی به استقبال معرفتی آن می روند. انسان شناسی مبتنی بر نظریه فطرت حقیقت جوینانه، جامعه شناسی مبتنی بر نوع واحد جوامع، معرفت شناسی مبتنی بر ادراکات حقیقی و مطلق نیز مبانی این دیالوگ را تبیین می کنند. دین اسلام، دین حیات و زندگی است. بر اساس این حیات، دارای دانایی و توانایی است که مدار جذب و دفع فرهنگی اسلام را شکل می دهند. تقسیم فرهنگ به والا و عامیانه، بی مکانی و بی زمانی حقایق دینی، نخبه گرایی فرهنگی، نگاه مثبت به نقش مردم در مخاطب شناسی و فضای باز فرهنگی از دیگر ویژگی های اندیشه فرهنگی استاد مطهری است.

نقش اقتصادی

شهید مطهری در بیان اقتصاد سالم بیان می دارد: جامعه باید بنیه اقتصادی سالمی داشته باشد، مبتلا به کم خونی اقتصادی نباشد و گرنه، مانند یک مریض کم خون و یا مریضی که دستگاه قلب و جهاز دمویته اش خراب است همیشه مریض خواهد بود. گمان نمی رود هیچ عالم و بلکه هیچ عاقلی منکر لزوم و ضرورت اقتصاد سالم باشد. از نظر اسلام هدفهای اسلامی بدون اقتصاد سالم غیرقابل تأمین است. اسلام می خواهد که غیرمسلمان در مسلمان تسلط و نفوذ نداشته باشد. این هدف هنگامی میسر است که ملت مسلمان در اقتصاد نیازمند نباشد و دستش به طرف غیرمسلمان دراز نباشد و آلا نیازمندی ملایم است با اسارت و بردگی ولو آنکه اسم بردگی در کار نباشد. هر ملتی که از لحاظ اقتصاد دستش به طرف ملت دیگر دراز باشد اسیر و برده او است و اعتباری به تعارفهای دیپلماسی معمولی نیست، به قول نهری: ملتی مستقل است که جهش اقتصادی داشته باشد.

شهید مطهری در ابتدای طرح و ارائه نظریه فطرت، از یک مقایسه میان دو مفهوم تربیت و صنعت استفاده کرده اند. ایشان در تمایزی مفهومی میان تربیت و صنعت، صنعت را ساختن می داند و تربیت را پرورش دادن مجموعه ای از استعدادها تلقی می کند. از نگاه مطهری، کار یک نجار، یک کار صنعتی است که در آن انسان بر اساس منظور و غایتی که خود دارد، سلسله مواد و اشیا را به خدمت می گیرد (بدون توجه به اینکه اهداف و غایت آن اشیا چیست) تا به هدف خود دست یابد. در مقابل یک مربی (مثال شهید مطهری یک باغبان است) اقدام به پرورش آن شیء مورد هدف، با توجه به غایت و هدف درونی آن گل و گیاه می کند. در اینجا به نوعی هدف باغبان با هدف گل و گیاه منطبق شده است.

نتیجه گیری

در آنچه گذشت تلاش شد نقش خانواده در تربیت نوجوانان از دیدگاه مطهری و دلالت های تربیتی آن در نظام آموزشی را از منظر شهید مطهری مرور کنیم. آن طور که شهید خود می گوید: «انسان یک موجود عجیبی است. اشتباه است اگر ما خیال

بکنیم فقط یک عامل در دنیا وجود دارد که انسان را اصلاح می کند. انسان قسمت های مختلفی دارد که هر قسمتش یک عامل اصلاح دارد.» بر این اساس برای تربیت انسان باید وجوه مختلف انسان را در نظر گرفت؛ و به تبع در خصوص تربیت جامعه نیز باید ویژگی های آن را احصاء کرد و عوامل متناسب با آن را برگزید تا از تکیه بر یک عامل و برنامه ریزی فرهنگی و تربیتی تک عاملی دوری کرد.

منابع

- ابراهیم زاده، ع. (۱۳۸۵). آموزش بزرگسالان . تهران . انتشارات پیام نور .
- ابراهیمی، صادق و نجفی، اسماعیل و ابراهیمی، مصطفی. (۱۳۹۵). بررسی عوامل خانوادگی، مدرسه، وسایل ارتباطی در تربیت دینی نوجوانان، چهارمین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روان-شناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی، تهران.
- ابوطالبی، مهدی. (۱۳۸۳). تربیت دینی از دیدگاه امام علی (ع)، قم: مرکز انتشارات آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- احمدی، ع. (۱۳۸۳). روانشناسی روابط درون خانواده . تهران . انتشارات رضایی .
- ارسطو. (۱۳۸۱). اخلاق نیکو ماخس، ترجمه ابوالقاسم پورحسینی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران..
- آژینی، محسن، التقاط و تحجر از دیدگاه شهید مطهری، تهران، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۹.
- اسپری، ل. (۲۰۰۴). خانواده سنجی: راهبردهای نوین در سنجش خانواده . ترجمه احمد به پژوه و عباسعلی حسین خازناد (۱۳۸۸). تهران انجمن اولیاء و مربیان .
- اسدی، ش. (۱۳۸۴). بررسی تأثیر آموزش خانواده بر تغییر رفتار والدین نسبت به فرزندان خود . مرکز اسناد و مدارک علمی ایران .
- اسفندیاری، محمد، «تندیس دین یاری» (نگاهی به کارنامه فکری آیت الله طالقانی) فصل نامه قرآنی بیّنات، تهران، سال هفتم، ش ۲۶ (تابستان ۱۳۷۹)
- اعرافی، علیرضا و فتحعلی-خانی، محمد و فصیحی-زاده، علیرضا و فقیهی، علی-نقی. (۱۳۸۸). آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن، تهران: نشر سمت.
- افلاطون . (۱۳۵۷). جمهوری . ترجمه محمد حسن لطفی . تهران : خوارزمی .
- امجدیان، ک. (۱۳۷۷). دستورالعمل جامع آموزش خانواده . تهران . انجمن اولیاء و مربیان .
- امجدیان، ک. (۱۳۸۴). چرا آموزش خانواده مهم و ضروری است . ماهنامه آموزش تربیتی پیوند، شماره ۳۱۳.
- ایمانی، محسن . (۱۳۷۸). تربیت عقلانی . تهران : مؤسسه انتشارات امیر کبیر .
- باقری، خسرو . (۱۳۷۷). مبانی و شیوه های تربیت اخلاقی . تهران : انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی .
- باقری رمدانی، ح. (۱۳۸۱). بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت سواد آموزان رن در کلاسهای آموزشی دوره پایانی نهضت سواد آموزی در شهرستان های ساری، نکا و بهشهر در سال تحصیلی ۸۱-۸۰. پایان نامه کارشناسی ارشد ، دانشگاه شهید بهشتی .
- باقری، خسرو. (۱۳۷۸). نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، تهران: نشر مدرسه.
- برزینکا، ولفگانگ . (۱۳۷۱). نقش تعلیم و تربیت در جهان امروز . ترجمه محمد آفاق بایبوردی . تهران : مرکز نشر دانشگاهی .
- به پژوه، ا. (۱۳۸۹). نقش آموزش و مشاوره خانواده در شکل گیری خانواده متعالی .مجله پیوند، شماره ۳۷۴، ص ۹-۱۳ .
- بهشتی، احمد . (۱۳۸۵). تربیت کودک در جهان امروز . قم : بوستان کتاب
- بهشتی، سعید (۱۳۸۶). آیین خرد پروری . تهران : مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.

- بهشتی، سعید. (۱۳۸۳). تحلیل و نقدی بر فلسفه ی تربیتی کانت با تأکید بر نظریه تربیتی وی. سروش اندیشه، نشر صدا و سیما.
- بوستانی، اصغر. (۱۳۸۰). تبیین دیدگاه ارزش شناسی علامه طباطبائی (ره) و دلالت های آن بر تربیت اخلاقی (اهداف و محتوا). «پایان نامه کارشناسی ارشد چاپ نشده». «دانشگاه تربیت مدرس».
- بیابانگرد، اسماعیل. (۱۳۹۰). روش های تحقیق در روان شناسی و علوم تربیتی. تهران: نشر دوران.
- پروند، م. (۱۳۸۵). مقدمات برنامه ریزی آموزشی ودرسی. تهران. نشر شیوه.
- پژوهنده، محمدحسین، «خرافه ستیزی در اندیشه دینی از دیدگاه شهید مطهری»، نشریه فلسفه، کلام و عرفان، اندیشه حوزه، ش ۵۹ (مرداد و شهریور ۱۳۸۵)
- پور راوندی، قاسم. (۱۳۹۰). جایگاه عقل در تربیت دینی از دیدگاه علامه طباطبائی. مجله پژوهش دینی دانشگاه کاشان.
- پیازه، ژان. (۱۳۷۳). پنج گفتار روان شناسی. ترجمه احمد محسنی. تهران: نشر بنیاد.
- تایشمن، جنی و گراهام وایت. (۱۳۷۹). فلسفه اروپایی در عصر نو. ترجمه محمد سعید حنایی کاشانی. تهران: نشر مرکز.
- تبریزی، غ. (۱۳۸۲). بررسی نقش کلاس های آموزش خانواده در تغییر رفتار والدین و حل مسائل تربیتی، فرهنگی و تحصیلی دانش آموزان. طرح پژوهشی سازمان آموزش و پرورش استان خراسان.
- ترک لادانی، ف؛ ملک پور، م. و گل پرور، م. (۱۳۸۷). تأثیر آموزش مهارت های زندگی به مادران بر کاهش مشکلات رفتاری دانش آموزان سوم تا پنجم ابتدایی. دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی، شماره ۳۷، صص ۸۲-۶۵.
- جاوید موسوی، سید حمید، اتحاد اسلامی در آثار شهید مطهری، تهران، صدرا، ۱۳۸۶.
- جهانگردی. (۱۳۷۵). آشنایی با انجمن اولیاء و مربیان. تهران. انتشارات انجمن اولیاء و مربیان.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۷۰). مراحل اخلاق در قرآن. چاپ هفتم. قم: مرکز نشر اسراء
- جوانی، حجت الله، «دین از نگاه استاد محمدتقی شریعتی»، مجموعه مقالات همایش بزرگداشت استاد محمدتقی شریعتی، ویراسته محمد بدیعی، تهران، مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، ۱۳۸۴.
- چراغ چشم، ع. (۱۳۸۵). مبانی تربیت اسلامی. تهران. انتشارات آثار دانشمندان.
- چوبدار، ر؛ جبرستانی، م. (۱۳۸۰). رابطه دوره های آموزشی خانواده بر افزایش آگاهی تربیت همسران شاهد از دیدگاه خود آنان در شهرستان های بوشهر و برازجان. دانشگاه آزاد واحد بوشهر.
- حاج بابایی، فاطمه. (۱۳۸۱). تربیت عاطفی از دیدگاه امام علی (ع). «پایان نامه کارشناسی ارشد چاپ نشده».
- حاجی بابا نیان امیری، محسن. (۱۳۸۸). روش تربیت اخلاقی کاربردی در اسلام. تهران: سروش.
- حاجی پور، ر. (۱۳۸۹). آموزش شهروندی (آنچه شهروندان باید بدانند). تهران. فرهنگ سبز.
- حافظ نیا، محمد رضا. (۱۳۸۹). مقدمه ای بر روش تحقیق در علوم انسانی. تهران: سمت.
- حسن پور، ل. (۱۳۸۷). آموزش خانواده بر تغییر نگرش مادران در خصوص مسایل تربیتی و آموزشی فرزندان شان در شهر سردشت. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.
- حسینی، علی اکبر. (۱۳۷۹). «تعلیم و تربیت اسلامی (مبانی، منابع و اصول)». تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- حسینی حیدری، ا؛ باقری، ن؛ تاج جماعت، م. (۱۳۸۵). نگرش والدین درباره کلاس های آموزش خانواده. فصلنامه اندیشه های نو در علوم تربیتی، شماره ۴، صص ۷۲-۵۵.
- حسینی، ک. (۱۳۹۲). مدرسه امن، جامعه ایمن. مجله پیشگیری نوین، ضمیمه رشد آموزش اجتماعی، دوره سوم، شماره ۲.

- خاکی، ع. (۱۳۸۴). روش تحقیق با رویکردی به پایان نامه نویسی. تهران: انتشارات بازتاب.
- خوی نژاد، غ. (۱۳۸۰). روشهای پژوهش در علوم تربیتی. تهران: سمت.